

در کنگره سوم

حزب کمونیست کارگری

شرکت کنید

صفحه ۳

دوم خرداد

بر سر دوراهی

صفحه ۳

به انترناسیونال

هفتگی

کمک مالی کنید!

رادیو انترناسیونال

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰

بوقت تهران

۱۹ متر برابر با

۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

تلفن

0044 771 461 1099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

زنده باد جنبش مجامع عمومی!

شوراهای واقعی کارگری سالها ۵۷ - ۶۰ و با قتل عام کمونیستها، انقلابیون و رهبران کارگری متولد شده است. ۲۰ سال است که دستگاه مخوف و هزار سر امنیتی رژیم تعقیب میکند، شکنجه میکند و میکشد تا کارگران متشکل نشوند. شوراهای اسلامی و انجمنهای اسلامی را در کارخانه ها و

دادگاههایش ابتدایی ترین حقوق انسانی را زیر پا بگذارد؟ آیا جرئت میکرد روزنامه ای را ببندد، اجتماعی را ممنوع کند، سنگساری راه بیندازد، حجاب اسلامی را بر زنان تحمیل کند، اعتصابی را درهم شکنند، اعدام و زندان بدهد بدون اینکه با صف اعتراض کارگران روبرو شود؟ آیا اصولا میتوانست ادامه حیات بدهد؟ جمهوری اسلامی با سرکوب

در صفوفی منظم حول شعار و مطالبات آزادیخواهانه و انقلابی خود به حرکت درآورد. آنگاه در اوضاع سیاسی ایران چه نقشی میتوانست ایفاء کند؟ آیا جمهوری اسلامی جرئت میکرد مزد صدها هزار کارگر را نپردازد، ملیونها را به شغل دوم و سوم برای ادامه بقا مجبور کند و میلیونها دیگر را بیکار و بدون هیچ تامينی به امان خدا رها کند؟ آیا جرئت میکرد هر روز در خیابانها و

مصطفی صابر

تصورش را بکنید اگر کارگران نفت، توانیر، راه آهن، ذوب آهن، اتومبیل سازیها و خلاصه همه مراکز بزرگ صنعتی دارای تشکل های واقعی خود بودند. تصورش را بکنید اگر این تشکل ها در ارگانهای استانی و سراسری متحد بودند. تصورش را بکنید اگر طبقه کارگر میتوانست نیروی خود را

بحران کومه‌له و بازسازی ناسیونالیسم کرد



در چنین مجمعی برای اینها مقدور نخواهد بود.

- رشد سریع کمونیسم کارگری در کردستان. "کومه‌له" مورد نظر مهتدی و عناصر و محافل مختلف ناسیونالیست که در دوران کومه له کمونیست به حاشیه رانده شده و از تشکیلات خارج شدند (و اکنون راست ها با عنوان "طیف کومه‌له" به آنها رجوع میکنند) یک رسالت خود را دشمنی با کمونیسم کارگری در کردستان میدانند. اینها کومه‌له موجود

حزب دموکرات در ابعاد دیگری در خود ایران نیز به ابتکار دوم خردادی ها آغاز شده است. - پدیده دوم خرداد و تلاش محافل مختلف ناسیونالیسم کرد برای مرتبط شدن و بهره جستن از این پدیده در کردستان. تصور امکان یک ساخت و پاخت قریب الوقوع با دوم خرداد تحت پرچم نوعی هیات نمایندگی خلق کرد، عاملی است که آشکارا جریان مهتدی را به پیش میراند. مذاکره در قاموس اینها نهایت توفیق سیاسی و علامت "دولت‌مرد" شدن در کردستان است. اما در غیاب تعلق به یک سازمان سیاسی مدعی "رهبری جنبش ملی" که بدوا با مواضع رادیکال ضد دوم خردادی تسویه حساب کرده باشد و اصل مذاکره را مشروعیت داده باشد، حضور

حزب دموکرات. قطعا توضیح این مساله صرفا با دگرذیسی سیاسی شخصی عبدالله مهتدی و بلوغ تمایلات ناسیونالیستی همیشه مشهود او ممکن نیست. سوال اینست که چه عاملی به ایده ایجاد یک آرایش جدید در ناسیونالیسم کرد در ایران میدان داده و طیفهایی از فعالین ناسیونالیست را با این هدف به جنب و جوش در آورده است. بنظر من فاکتور های اساسی عبارتند از:

- ضعف و تشمت حزب دموکرات و ناتوانی اش از اعمال یک رهبری منسجم بر گرایشات و محافل ناسیونالیستی کرد در ایران. این یک فضای خالی برای ناسیونالیستهای ناراضی و جاه طلب باقی گذاشته است. سازماندهی گروه های ناسیونالیست آلترناتیو در برابر

منصور حکمت

mhekmat@yahoo.com

اختلافات درونی کومه‌له به نقطه جوش رسیده است. پس از یک دوره طولانی پنهانکاری های سیاسی بیهوده و صدور اطلاعات های کلیشه ای در مورد توفیقات کنگره ها و مجامعی که اکنون معلوم میشود صحنه جر و بحث بوده و حتی نیمه کاره رها شده بوده اند، حال هر دو جناح سازمان رسما دیگران را به مداخله در این کشمکش فراخوانده اند. ظاهرا در یک قدمی انشعاب قرار گرفته اند. کاملا روشن است که جناح مهتدی در فکر ایجاد یک گروه ناسیونالیستی جدید در کردستان ایران است. نوعی شاخه ایرانی اتحادیه میهنی و یا نسخه جدید

نقش خریت در تاریخ!

باروت زیادی در خمپاره ولایت!



خواهد آمد، حاضر نبود جلوی ولایت بایستد. اما عقل هم خوب

به آنها یک "پیروزی" غافلگیرانه داد. آنهمه تعریف و تمجید غلیظ از او بهمین خاطر بود. دوخرداد هم غافلگیر شد. نباید اشتباه کرد، هیچکدام از آن دوخردادی های مجلس کمتر از کروی در رکاب "ولایت فقیه" ندیده اند. کسی از آنها، بدلالی که پائینتر

پيله خود را به یکباره به حراج نگذارد. جناح راستی ها بیشتر احتمال چون و چرای مجلس را میدادند (همانطور که محمدرضا خانتی گفت) خودشان را آماده کرده بودند که با راه انداختن گله های اوباش از "بیرون" به مجلس فشار بیاورند. "اصولگرایی" کروی

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

در "دوئل زودرسی" که بین جناح های جمهوری اسلامی پیش آمد، نقش خریت کروی را نباید نادیده گرفت. رگ "حسینی" ایشان بالا زد که این "نامه حکم ولایی" است. از مفاد "نامه" خامنه ای، همانطور که بعضی دوخردادی ها میگویند، الزاما "حکم حکومتی" در نمی آید. خود خامنه ای ظاهرا بیش از آن از کار خود وحشت داشت تا برای بستن دست مجلس صراحتا حکم بدهد. راه را باز گذاشته بود تا اگر مجلس احیانا به دستور او نکرده، تمام پشم و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

صفحه ۴

بحران کومه‌له و بازسازی ناسیونالیسم کرد

را ابزار مناسبی برای این سیاست خصمانه تمام عیار نمی بینند. ابراهیم علیزاده و اکثریت کومه‌له موجود را "آلوده" به گرایش‌های "کمونیسم کارگری" اعلام کرده اند و به همین عنوان محکوم کرده اند. تکاپوی چند ساله مهتدی برای ایجاد یک هیستری علیه کمونیسم کارگری نهایتاً با پاسخی که آخرین هجویات و فحاشی‌های مهتدی از دهها نفر از بنیانگذاران و کادرهای قدیمی کومه‌له گرفت رسوا شد و به هیچ رسید. اما امر اجتماعی مقدس حضرات به قوت خود باقی است.

- وجود اتحادیه میهنی و "دولت" سلیمانیه بروشنی ایجاد یک سازمان برادر در ایران و تاسیس شعبه ایرانی این جریان را به یک امر مقدور و قابل اجرا بدل کرده است. مادام که اتحادیه میهنی در قدرت است و دستش در جیب مردم کردستان عراق، یک سازمان ناسیونالیستی ایرانی برادر می‌تواند حساب باز کند. دیدنی است که چگونه جریان مهتدی رسماً توسط اتحادیه میهنی و جلال طالبانی به کنگره سازمان سیاسی "خود" فشار می‌آورد و باج و امتیاز تشکیلاتی و سیاسی طلب می‌کند.

یک لحظه نباید تردید کرد که جریان راست مهتدی و شرکاء در درجه اول اسم "کومه‌له" را می‌خواهد. دنبال حفظ وحدت سازمانی با کسی نیست. این یک محاسبه گری ساده است. در نوشته "درباره دوره جدید فعالیت تحت نام کومه‌له" صریحاً می‌گویند که استفاده از "سرمایه سیاسی" ای که تحت این نام فراهم شده است را مدنظر دارند. اما سازمانی بنام کومه‌له فی الحال وجود دارد. جریان مهتدی حمایت این سازمان را ندارد. سیاست‌های رسمی این سازمان را نمی‌پذیرد. دو دهه تاریخ آن را تخطئه می‌کند، از حضور تاکنونی خود در آن اعلام ندامت کرده است، در رهبری آن حضور ندارد. در بدنه آن اقلیت کوچکی را تشکیل می‌دهد. با اینحال هیچیک از اینها مانع از این نیست که این جماعت برای گرفتن اسم کومه‌له هجوم ببرند. اسم کومه‌له را برای آن حضور بهم رساندن‌ها در مراجع و هیات‌ها، در رقابت با حزب دموکرات بر سر "رهبری جنبش ملی" و در تلاش براه اندازی

دیگر هنگام انشعاب، بخصوص وقتی بخشی از این "طیف کومه‌له" را برای سرشماری‌های بعدی به درون سازمان کشیدند، نام سازمان را با خود می‌برند و طرف مقابل را مضمحل می‌کنند. تمام این ماجرا، پروژه غصب نام کومه‌له توسط جریان ناسیونالیستی و واپسگرایی است که از بیست و چند سال پیش علیه رشد و تکوین کمونیسم در این سازمان مقاومت می‌کرد و مدام در مراحل مختلف شکست می‌خورد و تقیه می‌کرد و می‌ماند. این عروج مجدد آنتی کمونیسم در کومه‌له است که همه کمونیست‌هایی که در این سالها حزب کمونیست ایران و کومه‌له را ساختند و راه بردند بخوبی ماهیت و ابعادش را می‌شناسند. هر نوع سازش تشکیلاتی کمیته مرکزی کومه‌له با این جریان، هر نوع تسلیم به مطالبات تشکیلاتی اینها، خدمت به اجرای این پروژه کودتاگرانه راست است. همه میدانند که این بار اولشان نیست. علیه تشکیل حزب کمونیست، علیه رادیکالیسم کومه‌له پس از تشکیل حزب، علیه نوگرایی، علیه احقاق حقوق زنان در تشکیلات و مسلح کردن آنها، علیه مشی سیاسی و توده‌ای، علیه توجه به شهر و کارگر، علیه کنگره ششم کومه‌له، علیه کمونیسم کارگری و رهبری ما در حزب کمونیست و کومه‌له بارها تحریک و بسیج کردند و شکست خوردند. این دیگر تکاپوی آخرشان است. این جریان کوچکترین مشروعیتی در استفاده از نام کومه‌له ندارد و باید عمیقاً بعنوان آنچه که هست، یعنی یک محفل ناسیونالیستی نوپا که قصد کودتا در کومه‌له و مصادره "سرمایه‌ها" ی آن را دارد، افشا بشود.

تسلیم به مطالبات تشکیلاتی اینها برای رهبری امروز کومه‌له اشتباه ترین سیاست ممکن است. باید از موازین و اصول اساسنامه ای تشکیلاتی دفاع کرد. نباید اجازه داد ترکیب کمیته مرکزی کومه‌له را جلال طالبانی و هیات بازسازی تعیین کنند. اما حتی همین نیز کافی نیست. سنگر بندی تشکیلاتی پاسخ مساله نیست. باید از نظر سیاسی افشاء و منزوی شوند. باید جایگاه اینها را در صحنه سیاسی کردستان نشان مردم داد و امیال و رویاهای عقب مانده شان را به مردم شناساند.

باید حرف زد، نقد کرد، موضع گرفت. جریان راست خود هم اکنون با خطاب قرار دادن به آنچه "طیف کومه‌له" مینامد، با استفاده از فشار فوق تشکیلاتی اتحادیه میهنی علیه کنگره سازمان خود، با تلاش برای تعیین ترکیب ارگانهای رهبری این سازمان از طرق غیر اساسنامه ای با پلتیک و مانور و اعمال فشار سیاسی و حتی مادی، عملاً اعلام کرده است که کومه‌له را یک سازمان منحل شده میدانند. طرح اینها روشن است. باید در مقابل آن ایستاد.

جریان راست در استمداد طلبدین از "طیف کومه‌له" فراموش کرده است که بزرگترین و معتبرترین بخش فعالین تاریخ کومه‌له امروز در حزب کمونیست کارگری ایران متشکل است. این صف صدها تن از برجسته ترین بنیانگذاران و رهبران و کادرهای کمونیستی را در بر می‌گیرد که مقدم بر هرکس دیگر کومه‌له کمونیست را ساختند و آن "سرمایه سیاسی" که این عالیجنابان در صدد مصادره اش برآمده اند را بوجود آوردند. وقتی این کادرها، که اکثریت عظیم آن سازمان و نهادهای رهبری آن را تشکیل میدادند قریب دهسال قبل جدا شدند تا حزب کمونیست کارگری را بسازند، برخلاف اپورتونیستهای کاسبکار نهضت "بازسازی"، نام و تمام امکانات کومه‌له را برای رفقایی گذاشتند که در آن سازمان میمانند. اما این میراث را برای مصادره و سوء استفاده مهتدی‌ها و طالبانی‌ها نگذاشتند و تاریخ آن دوران پرشکوه مبارزه کمونیستی را زیر تیغ ناسیونالیسم کرد رها نکردند. آری، شک نکنید، در این ماجرای اخیر سازندگان تاریخ کمونیستی کومه‌له حتماً دخالت میکنند. حزب کمونیست کارگری مصمم است، مستقل از فعل و انفعالات داخلی کومه‌له و تصمیمات مقامات قانونی این سازمان، رویای ایجاد یک جریان ناسیونالیست، ضد کمونیست و دوم خردادی در کردستان تحت

درباره بحران کومه‌له مطالب متعددی از ایرج فرزاد، کورش مدرسی، حه مه سور، رحمان حسین زاده، مظفر محمدی، فاتح شیخ الاسلامی، نسان نودینیان، محمد فتاحی و ... منتشر شده است. برای مطالعه این مقالات و نوشته‌های بعدی به سایتهای انترناسیونال هفتگی و روزنه در اینترنت مراجعه کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دوم خرداد بر سر دوراهی

بخشهایی از گفتگوی پری صفاری تهیه کننده رادیو صدای ایران با علی جوادی



پری صفاری: با توجه به حرکت اخیر خامنه‌ای و روشن شدن تضاد آشکار و انکار ناپذیر بین ولی فقیه و جریان دوم خرداد، می‌خواستم ارزیابی شما را از چگونگی روند این جنبش بدانم؟

علی جوادی: اقدامات حکومتی خامنه‌ای زمان را در کشمکش‌های جناحی بسرعت جلو کشید و جنبش دوم خرداد را در مقابل دو راهی سرنوشت سازی قرار داد. اما این اقدام پیش از هر چیز بیانگر موقعیت مستاصل و علاج ناپذیر خود جناح راست رژیم اسلامی است. "حکم حکومتی" خامنه‌ای بن بست ذاتی پروژه دوم خرداد را آشکارتر کرد. پوچی پروژه "تغییر گام به گام رژیم از درون" را اثبات کرد. اما در عوض "راس" رژیم و جناح راست را بدون حائل دوم خرداد لخت و عور در مقابل ضربات مردم قرار داد. واقعیت این است که در فردای این واقعه هر دو جناح حاکمیت در موقعیتی بمراتب ضعیف تر و شکننده تر قرار گرفتند.

اقدام خامنه‌ای انتخاب زودرسی را در مقابل صف دوم خرداد قرار داد. دوم خرداد اکنون بر سر یک دو راهی است. مقابله با "حکم حکومتی" به معنای فراطوان به مردم برای برچیدن بساط ولایت فقیه و عملاً به معنای آغاز سرنگونی همه جانبه حکومت اسلامی است. واقعیتی که دوم خرداد با تمام کودنی سیاسی‌اش از خیزش ۱۸ تیر سال ۷۹ و در هر خیزش اجتماعی بعدی مردم به آن پی برد. دوم خرداد پی برد که قادر به هضم و کنترل اعتراضات مردم نخواهد بود و مردم معترض آنجا که دوم خرداد خو می‌خواهد توقف نخواهند کرد. اتخاذ سیاست "آرامش فعال" عکس‌العملی در قبال این حقیقت بود. بنظر دوم خرداد در این راه قدم نخواهد گذاشت. گام نهادن در این راه به معنای تیر زدن به پای خودش است. فلسفه وجودی این جریان جلوگیری از انقلاب مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی و یا آنطور که خودشان می‌گویند، پر کردن "شکاف دولت و ملت" یا بقول جلالی پور "اصلاح طلبان

پری صفاری: آیا شما احتمال گسستن نیروهایی از جریان موسوم به اصلاح طلبی را پیش بینی می‌کنید؟ پروژه می‌خواستم در باره هواداران برون مرزی این جریان، به اصطلاح اپوزیسیون جمهوری اسلامی توضیحاتی بفرمائید؟

علی جوادی: ما شاهد شکل گیری شکافهایی در کمپ دوم خرداد هستیم. نیروهای غیر خودی - غیر حکومتی این جنبش از قبیل نهضت آزادی، جبهه ملی، توده‌های و اکثریتی‌ها که آینده شان را "یک امر حکومتی رقم زده" بناچار دست به مقاومت زده‌اند و پرچم مخالفت خوانی را بالا جبار بلند کرده‌اند.

میانی قرار دارد و چه سیری را می‌تواند طی کند؟

علی جوادی: توجه امروز غرب به جنبش دوم خرداد بیانگر منافع استراتژیک غرب در آینده ایران نیست. به این اعتبار سیاست فعلی غرب و آمریکا در قبال ایران نمیتواند چندان مایه آرامش خاطر جناح خاتمی و رژیم اسلامی باشد. غرب برای حاکم کردن یک رژیم ایدئولوژیک پرو غربی، مدافع بازار آزاد و محافظه‌کار کاپیتالیستی در ایران تلاش میکند. این چشم انداز استراتژیک غرب در قبال اوضاع ایران است. چنین رژیمی مسلماً نمیتواند هیچ شاخه‌ای از رژیم اسلامی باشد. اما غرب برای دستیابی به چنین اهدافی به شدت پراگماتیستی و گام به گام عمل میکند.

بنظر من دو مولفه دفاع امروزی غرب را از دولت خاتمی توضیح میدهد. سیاست خاتمی بمنظور "عادیسازی مناسبات با غرب و آمریکا" این امکان را به غرب میدهد که اهمر معینی برای دخالت در اوضاع آتی ایران بدست بیاورد. غرب بشدت از وقوع یک انفجار اجتماعی در جامعه نگران است، تحولی که میتواند کارگر و کمونیسم را به قدرت برساند. غرب در سیاست

خاتمی آنطوریکه نشریه سانفرانسیسکو ازگامینر بطور سمبلیک مطرح کرده، یک "سوپاپ اطمینان" را مشاهده میکند. از طرف دیگر سیاست "تنش زدایی" خاتمی این امکان را برای غرب فراهم میکند که عرصه عملکرد نیروهای پان اسلامیستی در منطقه را محدود کند. این مولفه‌ها میانی سیاسی توجه غرب به جناح خاتمی را بیان میکند.

اما تحولات جامعه بر خلاف تصورات غرب سیر دیگری را طی کرده است. اکثر استراتژیستهای غرب اکنون متفق القولند که جامعه ایران در آستانه یک انفجار اجتماعی قرار گرفته است. و بقول خودشان "غول از بطری خارج شده است". غرب با توجه به این واقعیتها تلاش جدی‌ای را برای غلبه بخشیدن به آلترناتیو مورد نظرش دنبال خواهد کرد. فردای تحولات ایران شاهد جدال دو نیروی اصلی و تعیین کننده خواهد بود. در یکطرف نیروهای ناسیونالیست غربگرا، متکی به غرب و حمایت‌هایش و در طرف دیگر جنبش کمونیسم کارگری، متکی به نیروهای آزادیخواه و کارگری سوسیالیستی جهان. برآیند این مبارزه سرنوشت جامعه و مردم را تعیین خواهد کرد.

در کنگره سوم حزب شرکت کنید

شرکت در کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حزب حضور یابند. کنگره در نیمه اکتبر امسال (دوماه دیگر) برگزار میشود.

این فرصت بسیار مناسبی برای آشنایی از نزدیک با حزب و ارگانها و کادرهای آن در جریان اجلاس عالیترین ارگان حزبی است. برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و اطلاعات لازم در اسرع وقت با شماره تلفن، فاکس و ای میل زیر تماس بگیرید.

Tel: 0044 (0) 777 9898 968

Fax: 0044 (0) 870 120 7768

e-mail: congress@ukonline.co.uk

* ورودیه هر نفر برای دو روز جلسه شامل هزینه ناهار معادل ۶۰ دلار، ۳۵ پوند و یا ۱۱۰ مارک آلمان است.
* تعداد محدودی امکانات خوابگاهی (برای ۶۰ نفر) برای استفاده ناظران تهیه شده است که بترتیب نوبت ثبت نام به متقاضیان اختصاص داده میشود. بها برای هر نفر، شامل صبحانه، برای هر شب معادل ۲۵ دلار، ۱۵ پوند و یا ۵۰ مارک است. برای اطلاع از جزئیات بیشتر تماس بگیرید.

پری صفاری: پشتیبانی غرب از دوم خرداد بر چه پایه‌ها و

انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

نقش خریت در تاریخ!

چیزیست. اگر به جای کروی، فرد زیرک تری (مثلا معاون او بهزاد نبوی و یا حتی رفسنجانی) نشسته بود، چه بسا راه حل "داهیهانه" ای (مثل "مسکوت" گذاشتن "طرح اصلاح مطبوعات" و یا راه حل های دیگری که دوزخدای ها سرزنش وار گوشزد میکنند) جلوی پای مجلس میگذاشت که هم مجلس اینقدر توی سرش نخورد و هم "ملاحظه رهبری" اجرا شود. هنوز مجلس میتوانست مجلس باشد و به "اراده خود" خواست رهبری را اجابت کرده باشد. افسوس که "سفاهت" هم برای خود نقشی در تاریخ دارد و هچل رودویی ولایت فقیه با دوزخداد ناپهنگام رسید: دوزخداد لکنک زبان گرفت. نه فقط آن نمایندگان مجلس که در برابر نامه خامنه ای نق زده بودند، یکی بعد از دیگری تویه کردند، حتی وقتی هم "بزرگان" و صاحب نظرانشان از شوک دوئل زدورس کمی به خود آمدند، حرف بیشتری نزدند. هاشم آغاچاری عضو برجسته

بیچارگی دوزخداد در مقابل ولایت فقیه ناشی از قدرت ولایت فقیه نیست. بلکه ناشی از این است که ولایت فقیه پاشنه آشیل خود دوزخداد نیز هست. کل دوزخداد عبارت از اصلاحات در چهارچوب جمهوری اسلامی یا دقیقتر، اصلاح ولایت فقیه در چهارچوب ولایت فقیه است. دوزخداد نمی تواند از ولایت فقیه دست بردارد، چرا که این به معنای تجدید نظر در قانون اساسی جمهوری اسلامی و کل سیستم حکومتی حاضر است. این تغییر در جامعه ملتبه ایران، پای مردم را بوسط خواهد کشاند. آنوقت کنترل از دست همه اینها خارج خواهد شد و کل جمهوری اسلامی و بهمره آن پروژه دوزخدادش سرعت دود خواهد شد. از اینجاست که رابطه دوزخدادی ها با ولایت فقیه رابطه عشق و نفرت است. از یکسو برای بقاء خود باید احترامش را داشته باشند و از دیگر سو باز برای بقاء خود باید به آن انتقاد کنند. رابطه ای دورو، ریاکارانه، پر از حيله و راز و رمز. حماقت آن "سید رک گو" سببی شد تا این رابطه با همه کراهت و بوی تعفنش،

پیش از آنکه کسی فرصت استفاده از اسپره خوشبو کننده داشته باشد، در پیشگاه جامعه کاملا باز شود. جناح راست نیز در این ماجرا پیروز نشد. از "پیروزی" خود وحشت کرد. همانقدر که دوزخداد به حفظ ولایت فقیه برای پیشبرد "اصلاحات" طولانی و پردرد" خویش نیاز دارد، ولایت فقیه نیز به بلاگیر دوزخداد و "اصلاحات" برای بقاء خود نیازمند است. همانقدر که بازی با ولایت فقیه بازی با سرنوشت جمهوری اسلامی است، حذف و نابودی دوزخداد نیز رژیم اسلامی را از یک مکانیسم بقاء خود محروم میکند. هیچ جناحی شرط ادامه حیات جمهوری اسلامی را در شرایط حاضر تسویه حساب قطعی با جناح دیگر نمی داند. "پیروزی" غیر منتظره رهبر بر مجلس اگر به معنای کندن پرهای "بال دیگر نظام" باشد، کل نظام را بر سر زمین میزند. این تمام حرف آن ۱۶۱ نماینده مجلس، که از بی اعتباری و بی معنی شدن خود و مجلسشان شکوه کرده و "هشدار" داده اند که در صورت پیروزی جناح راست "انتخاب بعدی مردم واپسگرایان" نخواهند بود، و نیز مضمون اصلی

زنده باد جنبش مجامع عمومی!

مراکز صنعتی علم کرده اند تا مانع تشکل مستقل واقعی کارگران شوند. آنهمه سرکوب و اختناق اسلامی، آنهمه دخالت مذهب و دولت در زندگی خصوصی انسانها، آنهمه آپارتاید جنسی، آنهمه نماز جمعه و آخوند و پاسدار و نظامی، آنهمه لایه لایه های استبداد در نظام سیاسی، آنهمه قوانین متعدد علیه کمترین آزادی و فعالیت تشکل ها و احزاب در تحلیل نهایی برای اینست که کارگران این دشمنان طبیعی جمهوری اسلامی، سرمایه داری و هرگونه تبعیض و نابرابری، تشکل های واقعی خود را نداشته باشند. "اصلاحات" و دوم خرداد اینها نیز در نهایت برای اینست تا مگر جمهوری اسلامی را ذره ذره و با احتیاط و دور از دخالت مردم به یک رژیم با دوامتر بورژوازی تحول دهند تا در پروسه زوال ناگزیر جمهوری اسلامی کارگر تحت شعارها و مطالبات آزادیخواهانه و کمونیستی اش فرصت متشکل شدن نداشته باشد. اما علی الحساب این خود

جمهوری اسلامی و دوزخدادش است که در دریای نفرت و اعتراض مردم بسختی به گل نشسته است. مبارزات کارگران، علیرغم فقدان تشکل های سراسری و علنی، یک فاکتور جدی تحولات سیاسی سه سال اخیر و انداختن اسبهای کاری جمهوری اسلامی به جان یکدیگر بوده است. صدها هزار کارگر در این مدت در خیابانها رژه رفته اند، در مقابل مراکز دولتی پیکت کرده اند، اعتصاب کرده اند و اجتماع کرده اند. کارگران علیرغم بگیر و ببندهای "وزرات اطلاعات" دولت خاتمی، علیرغم سنگ اندازیها و جاسوسی های خانه کارگر، علیرغم توطئه سکوت جمهوری اسلامی و بخش اعظم اپوزیسیون هر هفته و هرروز در کار تیشه زدن به ریشه مناسبات و حکومتی بوده اند که زندگی را بر آنها و مردم ایران سیاه کرده است. بسط روزافزون مطالبات آن در صحنه سیاسی ایران نیز جلوه دیگری از حضور طبقه کارگر در صحنه سیاست ایران است. اما همه اینها هنوز تازه مقدمه ای است بر آنچه که طبقه کارگر در صورت متشکل شدن در ابعاد توده ای و سراسری قادر به انجام آنست. اکنون زمان

آن رسیده است تا کارگران، بویژه کارگران مراکز بزرگ صنعتی در همه جا صفوف خود را در تشکل های علنی و واقعی خود متشکل کنند. شکل این تشکل، و حتی نحوه شکل گیری آن توسط جنبش شورایی و تجربه کارگری در ایران نشان داده شده و اثبات شده است. است که همین اکنون نیز در حرکات کارگری ظرف بسیج و سازماندهی توده کارگران است. قدم بعدی که لازم است برداشته شود، منظم کردن این مجامع عمومی و سازمان دادن آنها و تحمیل آنها به کارفرما و دولت است. این نیاز به یک «ب» جنبش مجامع عمومی دارد. وقتی هر کارگر آگاه و انقلابی خود را فعال جنبش مجامع عمومی بداند، وقتی مجامع عمومی در همه جا سر بر آورند، نه فقط جمهوری اسلامی رو به موت، که هیچ قدرتی قادر به مقابله با آنها نخواهد شد. برپا کردن و دامن زدن به جنبش مجامع عمومی یک حرکت کلیدی طبقه کارگر برای تغییر اوضاع به نفع خود و آماده شدن برای ایفای نقش خود در رها کردن جامعه از نکبت جمهوری اسلامی و سرمایه داری است. زنده باد جنبش مجامع عمومی!

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

اصغر کریمی رئیس هیات دبیران 0044-771 4097928
آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 0049-172 7823746

سازمان جوانان کمونیست:

بهروز مدرسی دبیر سازمان 0049172 295 7603

Website:

www.haftegi.com انترناسیونال هفتگی

Email:

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com
www.wpiran.org
www.rowzane.com
www.hambastegi.org

Bank Account:

Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org